

# بررسی جایگاه معتمدان طایفه‌ای، در مدیریت محلی (با تأکید بر نزاع‌های جمعی)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲

کوروش احمدیوسفی<sup>۱</sup>، ابوذر پایدار<sup>۲</sup>

از صفحه ۶۳ تا ۹۰

## چکیده

**زمینه و هدف:** امروزه امنیت پایدار، محوری‌ترین رکن زندگی و پیشرفت در هر منطقه است. جنوب کرمان یکی از حوضه‌های جغرافیایی ایران است که از جنبه‌های متفاوتی در معرض ناامنی قرار دارد. در دهه‌های گذشته تغییراتی در شکل و نوع درگیری و ناامنی و بالطبع مدیریت امنیت منطقه رخ داد که یکی از نتایج آن، تضعیف جایگاه بزرگان محلی در مدیریت امور امنیتی است. هدف تحقیق حاضر، بررسی جایگاه معتمدان محلی در امور امنیتی منطقه جنوب کرمان می‌باشد.

**روش‌شناسی:** نوع تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها، میدانی با ابزار پرسشنامه و مصاحبه است. جامعه نمونه، افراد صاحب‌نظر محلی بوده و حجم نمونه ۳۰ نفر می‌باشد. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل Q و T-test در محیط SPSS انجام شد.

**یافته‌ها:** یافته‌های حاصل از مصاحبه نشان داد؛ از نظر افراد آگاه و صاحب‌نظر دولتی و محلی، تقویت جایگاه معتمدان محلی در مدیریت امنیت منطقه ضروری است. طبق نتایج تحلیل Q، پاسخ‌گویان در سه گروه موافقان افراطی نظام معتمدی، موافقان منطقی و میانه‌رو نظام معتمدی و نوگرایان مخالف نظام معتمدی قرار گرفتند. گروه غالب، افراد با نگرش منطقی بودند و از نظر آن‌ها، نظام معتمدی همکاری برای نهادهای دولتی است. یافته‌های آزمون T نیز تصورات و ادراکات جامعه نمونه را در زمینه تأمین امنیت منطقه نشان داد. طبق نتایج حاصل، امتیاز عباراتی که طرز تفکر افراد موافق میانه‌رو را نشان می‌دهند، بالاتر از حد متوسط است.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های اسنادی و میدانی، نتیجه گرفتیم: احیای نقش معتمدان، بهترین رویکرد مدیریت ناامنی‌های ناشی از درگیری‌های جمعی در منطقه جنوب کرمان است؛ به شرطی که معتمدان در تعامل با نهادهای دولتی عمل کنند و همچنین از ویژگی‌هایی چون رعایت عدالت، وجه و اعتبار مطلوب نزد مردم و مردم‌داری، آشنایی با مسائل مردم و توانمندی و استقلال اقتصادی برخوردار باشند. در شرایط فعلی جایگاه معتمدان نزد مردم پذیرفتنی و مطلوب است.

## کلیدواژه‌ها

نزاع جمعی، امنیت پایدار، نظام طایفه‌ای - فامیلی، معتمدان محلی، روش‌شناسی Q، جنوب کرمان.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تمدن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین

۲. استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)، aboozarpaidar@gep.usb.ac.ir

## مقدمه

یکی از چالش‌های امنیتی در کشور ایران، درگیری‌های جمعی در مناطقی است که به لحاظ اجتماعی، ساختار طایفه‌ای و عشیره‌ای دارند و به دلیل وقوع نزاع‌های جمعی و درگیری‌های طایفه‌ای، گاهی گستره ناامنی در آن‌ها زیاد می‌شود. نظام معتمدی که تا اوایل دهه ۱۳۴۰ نقش زیادی به لحاظ پیشگیری و حل نزاع‌های طایفه‌ای و در نتیجه تأمین امنیت در چنین فضاهای جغرافیایی داشته است؛ در سالیان اخیر در معرض تحولاتی قرار گرفته است؛ به طوری که چنین تحولاتی، تأثیراتی مستقیم بر وضعیت امنیتی مناطق مذکور داشته است. معتمد<sup>۱</sup> (ریش سفید و سردار) به موقعیتی اجتماعی گفته می‌شود که جنبه غیررسمی و عرفی داشته و در ساختارهای طایفه‌ای-فامیلی و اجتماعات محلی، به ایفای نقش در ابعاد مختلف زندگی مردم می‌پردازد. جایگاه معتمدان که از گذشته تاکنون به انحای مختلفی، در تأمین امنیت مناطق زندگی مردم نقش داشته‌اند؛ در دهه‌های اخیر با تغییراتی همراه شده است. بررسی چنین تحولاتی همراه با تغییرات نهادی-سازمانی در منطقه جنوب کرمان، مسئله‌ای اساسی می‌باشد. بررسی اولیه ساختارهای طایفه‌ای در منطقه جنوب شرق کرمان، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که در گذشته، معتمدان طایفه‌ای در سطح بسیار بالایی قابلیت و توانمندی خود را در تأمین امنیت درون و برون طایفه‌ای نشان داده‌اند؛ به گونه‌ای که توانسته‌اند، نقش نیابتی نهادهای چندگانه جدید امنیتی-قضایی را همراه با کارایی و اثربخشی بالا بر عهده گیرند؛ اما طی چند دهه اخیر، در چارچوب تغییرات نوسازی، دستگاه‌ها و نهادهای مسئول امنیت محلی، تحولاتی را پذیرفته‌اند که از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، تضعیف نقش نهادهای مردمی محلی و واگذاری آن، به نهادهای دولتی و همچنین تغییر نوع نگاه مردم به جایگاه معتمدان است. لذا می‌توان هدف کلی تحقیق حاضر را بررسی نقش و جایگاه مسئولان و بزرگان محلی (معتمدان، ریش سفیدان، اهل قلم، مسئولان مردمی و...)، در راستای تأمین امنیت پایدار اجتماعی و مدیریت درگیری‌ها در منطقه جازموریان دانست.

بنابر مقدمه فوق، سؤال تحقیق بدین صورت مطرح می‌شود که رویکرد و روش مناسب برای کنترل درگیری‌ها و تأمین امنیت منطقه جنوب کرمان چه می‌باشد؟

## بیان مسئله

امروزه امنیت، اساس توسعه پایدار محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که شکوفایی تمامی بخش‌های اقتصادی، کالبدی، محیطی و اجتماعی هر مکان جغرافیایی، وابسته به میزان پایداری امنیت در آن فضای جغرافیایی است. درگیری‌های جمعی-به‌ویژه درگیری‌های فامیلی- و طایفه‌ای، معضلی است که از قدیم در عمده مناطق کشور وجود داشته است. اگرچه امروزه مانند گذشته شاهد چنین درگیری‌هایی نیستیم؛ اما در بعضی نقاط با سبک زندگی عشیره‌ای و خیلی از نقاط منزوی و محروم کشور مانند جنوب شرق، هنوز ردپای چنین منازعاتی وجود دارد. یکی از موضوعاتی که در این زمینه بسیار مهم به نظر می‌رسد و بررسی آن ضروری است؛ نقش معتمدان محلی در پیشگیری، کنترل و حل این نزاع‌ها می‌باشد؛ زیرا امروزه وقوع درگیری‌های جمعی به عنوان یکی از عوامل اصلی وقوع ناامنی محسوب می‌شود که آرامش، جان، مال و به‌طور کلی تمامی ابعاد زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ وجهه مناطق را تخریب می‌کند و توسعه انسانی و فرهنگی را عقب می‌اندازد. درگیری جمعی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین معضلات اجتماعی است که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از خشم و نفرت، امنیت انسان را از جنبه‌های مختلف تهدید می‌کند. نزاع جمعی با هر علت و انگیزه‌ای صورت پذیرد، اگر منجر به قتل شود؛ شرایط و اوضاع کل منطقه را دگرگون می‌سازد؛ دامنه فضایی آن به سرعت گسترش می‌یابد و پیچیده‌تر می‌شود؛ سازمان‌های امنیتی و قضایی را با مشکل مواجه می‌کند؛ خانواده‌ها و طوایف متعددی را درگیر می‌کند و به اصطلاح، تر و خشک را با هم می‌سوزاند؛ به‌طوری‌که گاهی این نزاع‌ها ممکن است، اوضاع چندین طایفه را در منطقه با مشکلات و معضلات اساسی روبرو سازد.

در منطقه جنوب استان کرمان، یکی از معضلاتی که مردم و نهادهای انتظامی-امنیتی با آن مواجه هستند؛ وقوع نزاع‌ها و درگیری‌های جمعی است. استان کرمان به لحاظ وقوع تعداد درگیری‌های جمعی (با ۳۱/۴ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر) رتبه اول و به لحاظ وقوع قتل نفس در این نزاع‌ها (با ۴/۱ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر)، رتبه دوم را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است (میرفردی، ۱۳۹۰: ۲۰). مدیریت ناامنی و درگیری‌های گروهی و پیشگیری از آن، در چنین مناطقی سخت است و از مهم‌ترین دغدغه‌های دستگاه‌های امنیتی منطقه می‌باشد. در این راستا، بررسی نقش

ساختارهای طایفه‌ای- فامیلی و مدیریت محلی در همکاری با مسئولان دولتی، حائز بررسی است؛ زیرا یکی از محورهایی که با مسئله امنیت ارتباط زیادی دارد، تغییر در ساختارهای طایفه‌ای- فامیلی است.

### مبانی نظری

امنیت، اصطلاحی است مشعر بر فقدان تهدید بر ارزش‌های نادر. وضعیتی است که در آن ارزش‌هایی که از دید تصمیم‌سازان برای بقا و بهتر زیستن جامعه حیاتی است، مورد حمایت و تقویت قرار می‌گیرند. «پایداری» نیز مفهوم تازه‌ای است که به‌ویژه در روند تحولات جهانی در سه دهه گذشته و بر اثر بیم و امیدهای نو، طرح شده، گسترش یافته و با اقبال روبه‌رو شده است. «امنیت پایدار» و مفاهیم ترکیبی آن مانند «پایداری»، ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن، به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی و ... در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه می‌شود (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۰). در واقع هدف امنیت پایدار، اعمال سازوکارهای پاسخگو و سازگار، به منظور تأمین آرامش جان و مال شهروندان است؛ یعنی گونه‌ای از نظارت اجتماعی که کمترین هزینه را همراه با بیشترین نتایج به ارمغان بیاورد.

در واقع، لازمه رسیدن به امنیت پایدار اجتماعی، برخورداری از نهادها و سازوکارهای نظارت و کنترل اجتماعی کارآمد است. تحولات ساختار جامعه منجر به تحول در سازوکارهای نظارت اجتماعی می‌شود. همان‌گونه که در ساختار اجتماعی گذشته مناطق مختلف کشور، معتمدان کارکرد جامعی داشتند و به عنوان کانونی محلی و غیررسمی در پیوند مردم و نهادهای حکومتی نقش‌آفرین بودند؛ در ادوار بعدی تحولاتی در این زمینه صورت گرفته است. در خصوص جایگاه معتمدان در نظارت و کنترل جامعه، نظریات اجتماعی مختلفی بوده است و از زمان جامعه‌شناسان کلاسیک، تاکنون دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. از نظر دورکیم، اعضای جوامع محلی که همبستگی مکانیکی دارند؛ افکار و گرایش‌هایی مشترک دارند که نسبت به جوامع با ارتباط ارگانیکی، دارای دل‌بستگی به خیر همگانی بیشتر و همگرایی در مسائل زندگی هستند. جامعه ارگانیکی نیز وحدت و همبستگی خود را از تفاوت‌ها و کارکردهای متفاوت می‌گیرد (آرون، ۱۳۸۷: ۳۶۱). تونیس نیز جوامع را به دسته اجتماع (گماینشافت) و جامعه (گزلشافت) تقسیم کرده و نظارت اجتماعی در «اجتماع» را به صورت غیررسمی و از طریق مسئولان

مردمی می‌داند؛ درحالی‌که نظارت اجتماعی در «جامعه» به صورت رسمی و سازمان‌یافته انجام می‌شود (میرفردی، ۱۳۹۰: ۱۴).

دیدگاه‌های نظری پیرامون مفهوم «میانجی‌گری» نیز، بر کارآمدی این سازوکار غیررسمی در زمینه نظارت اجتماعی «اجتماع محلی» تأکید دارد. مور<sup>۱</sup> دیدگاه خود را تحت عنوان «میانجی‌گری: راهبردی عملی برای حل تضاد و درگیری» مطرح کرده و میانجی را طرف سوم می‌داند که برای کنار آمدن طرفین مناقشه تلاش می‌کند. میانجی‌ها عبارت‌اند از: شبکه اجتماعی، مشروع دولتی و مستقل.

میانجی‌های شبکه‌های اجتماعی، همان افراد مورد احترام اجتماع هستند که با طرفین درگیری رابطه دارند. آن‌ها از نظر جهت‌گیری، انسان‌های خنثی نیستند؛ اما به عنوان افرادی منصف مدنظر می‌باشند. این دسته از میانجی‌ها، عموماً از طریق روابط اجتماعی پایدار و بلندمدت با اجتماع محلی خودشان شناخته می‌شوند. آن‌ها معمولاً تا زمان دستیابی به توافق، در حالت مذاکره و چانه‌زنی با طرفین نزاع مرتبط هستند. میانجی‌های قانونی، افرادی هستند که به خاطر موقعیت رسمی که دارند؛ می‌توانند بر طرفین نزاع اعمال قدرت کنند. میانجی‌های مستقل نیز به خاطر ویژگی بی‌طرفانه بودنشان نسبت به هر یک از طرفین نزاع، تعریف می‌شوند (مور، ۱۹۹۶: ۵۶).

مدیریت بومی (معتمدی) نزاع و درگیری در کشور ایران، مبتنی بر دانش تجربی ریش‌سفیدان، سازوکارهای ساده نظارت و کنترل اجتماعی، همگونی و نظارت درونی است. در واقع نوعی مدیریت عرفی اعمال می‌شد که مورد پذیرش اجتماع محلی بود؛ درحالی‌که در دوران بعدی - که دوره استقرار دولت - ملت است - ابزارهای اجبارگونه و شرایط نهادینه نشده فرهنگ مدنی و شهروندی را تحمیل، و شرایط دوگانه ساختار حاکمیتی مدرن و بدنه اجتماعی سنتی را ایجاد کرد. مرحله سوم، مرحله نیمه سنتی - نیمه مدرن است که آمیزه‌هایی از سنت و مدرنیته حاکم شد. در این دوره نیز مدیریت محلی و فرهنگ مدنی نهادینه نشد. مرحله چهارم، مرحله نهادینه شدن فرهنگ مدنی و شهروندی است که نهادهای (قوانین و مقررات به عنوان نهاد ذهنی و سازمان‌های مجری مقررات به عنوان نهاد عینی) رسمی جایگزین نهادهای سنتی شدند و کدخدایان به‌طور رسمی، جایگاه خود را از دست دادند. در این دوره شوراهای روستایی و عشایری،

مدیریت مناطق را بر عهده گرفتند (میرفردی، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۷).

با این وجود هنوز در اجتماعات محلی (شهرهای کوچک، روستاها و مناطق عشایری)، بسیاری از ویژگی‌های سنتی همچنان در مناسبات اجتماعی نقش دارند. مدیریت ریش‌سفیدی و سران طوایف هنوز هم به روش‌های متفاوتی در ابعاد مختلف وجود دارد. از مهم‌ترین دلایل کاهش نقش ریش‌سفیدان و سران طوایف، می‌توان به جایگزینی نهادی، جابه‌جایی محل‌های اسکان و تحول در اکولوژی جمعیتی، توسعه ارتباطات و اطلاعات، ایجاد شکاف بین نسلی و تحول در قشربندی اجتماعی و منزلت‌ها اشاره کرد. شکاف بین نسلی (بین جوانان و ریش‌سفیدان) باعث شده است که جوانان بدون اعتنا به ارزش‌ها به درگیری و نزاع روی بیاورند و از سوی دیگر، نقش میانجی ریش‌سفیدان را نپذیرند.

نظریه تکامل فرهنگی، در رویکردهای نوسازی نیز مطرح است. مدرنیته عمدتاً در قالب شرایط جدید جامعه اروپایی ارائه می‌شود. جامعه‌ای که خود را در بوروکراسی عقلانی، دولت مدرن، انقلاب صنعتی، پیدایش بازارهای جدید ملی و بین‌المللی و توسعه نظام سیاسی دموکراتیک متبلور ساخته است. رویای مدرنیزاسیون، ایجاد تغییرات اجتماعی گسترده است و مبنای آن را روایت‌های نظری نوتکاملی تشکیل می‌دهد. البته امروزه بسیاری از اندیشمندان، نظریه‌های مدرنیزاسیون تک‌خطی را مورد نقد قرار داده و نظریه مدرنیته پیوندی را مطرح می‌کنند. این‌گونه مدرنیزاسیون از راه فرهنگ‌پذیری صورت می‌گیرد و در آن عوامل خارجی و ارتباط و برخوردها با دیگر فرهنگ‌ها، دارای نقش اساسی است. طبق دیدگاه مدرنیته پیوندی، عناصر جامعه نه تنها در یک زمان تغییر نمی‌پذیرند، بلکه تناقضات میان سنت-مدرنیته، شهری-روستایی و مقدس-سکولار و دنیوی می‌تواند پذیرفته شده و حتی به صورت نهادی درآمده باشد. طبق نظریات نوسازی، افزایش عناصر مدرنیته، سبب کاهش منازعات و برخوردهای طایفه‌ای می‌شود؛ بنابراین وقتی شاخص‌های مدرنیته در کشوری رشد می‌کند، تحولات خشونت‌آمیز کاهش می‌یابد و انسان خود را به صورت آگاهانه در ورای طایفه، قوم و قبیله خود جستجو می‌کند (تقوی‌نسب، ۱۳۸۶: ۸۹). اعتقاد به سران طایفه و شیوخ کاهش می‌یابد و شکل‌های نوینی از ارتباط سیاسی ایجاد می‌شود. در نتیجه، تغییر طرز نگرش، تغییر سبک زندگی و روی آوردن افراد طایفه به شیوه‌های زندگی مدرن، کاهش منازعات و

درگیری‌ها را در پی خواهد داشت (ربانی، ۱۳۸۸: ۵۴). اخیراً مفهوم مدرنیته پیوندی مطرح شده که بیان می‌دارد: چگونه نظرات و عملکردهای مدرنیته با رسوم محلی تطابق می‌یابد و در چارچوب آن تجسم پیدا می‌کند. این امر سبب می‌شود که مدرنیته همواره به مدرنیته‌های گوناگونی تقسیم شود (کاماروف<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳: ۱). این مدرنیته چندگانه -که از طریق آمیزش مدرنیته غربی با فرهنگ بومی دیگر جوامع شکل می‌گیرد- کاملاً منطبق با گرایش‌های مدرنیزاسیون غربی نیست. بدین‌سان، عملکردها و راه و رسم محلی در مناطق بومی مورد تحلیل قرار می‌دهد که به عملکرد مجدد و پیوسته مدرنیته از درون می‌پردازد. این دیدگاه مدرنیته را مجموعه‌ای خاص از عملکردهای اجتماعی و گفتمانی تلقی می‌کند. توجه به نحوه شکل‌گیری مدرنیته‌های محلی، اهمیت رویکرد بازاندیشانه انسان‌شناسی به مدرنیته و توسعه را نشان می‌دهد (آری‌لانگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰: ۳).

هم‌چنین نظریاتی که پیرامون موضوع کنترل و نظارت اجتماعی قرار دارند؛ رویکردهای متفاوتی را در امر مدیریت نزاع و درگیری پیش‌روی قرار می‌دهند. نظریات کنترل اجتماعی معتقدند: «جامعه باید افراد را با سبک و روش‌های متفاوت در کنترل خود نگه دارد». بدیهی است زمانی که فرد خود را در کنترل جامعه نبیند، به رفتارهای غیراجتماعی تن می‌دهد. نسب نظریه کنترل، به نظریه دورکیم در مورد انسجام اجتماعی و نظریه بوم‌شناختی شاو و مک کی<sup>۳</sup> می‌رسد. برخلاف سایر نظریه‌های مربوط به انحراف که در ابتدا، این سؤال را مطرح می‌کنند: «چرا افراد مرتکب رفتارهای ناهنجار می‌شوند؟» نظریه کنترل، با این سؤال شروع می‌کند که «چرا آدمیان با قواعد و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هم‌نوا نیستند و به عبارت دیگر، رمز‌سازی آن‌ها با آنچه مطلوب جامعه است، چیست؟» پیروان این دیدگاه معتقدند که هر فردی در زندگی، به انحراف برانگیخته می‌شود و بسیاری از اوقات در وضعیتی قرار می‌گیرد که آن وضعیت محرک فرد برای انحراف است. البته عامل مهم در تبیین انحراف، برانگیختگی یا قرار گرفتن در موقعیت‌های مناسب برای انحراف نیست، بلکه این است که فرد موقتاً خود را از کنترل جامعه رها می‌بیند (رابرستون، ۱۳۷۲: ۱۷۵). نظریه‌پردازان کنترل، دو پیش‌فرض دربارهٔ جامعه دارند: اول اینکه، انسان‌ها خودم‌محور بوده و درصدد ارضای خواسته‌ها و نیازهای

1. Comaroff
2. Aree Long
3. Shaw. c. Mackay

خودشان با استفاده از ساده‌ترین و سهل‌ترین وسایل (ولو غیرقانونی باشد) هستند؛ دوم اینکه، کاهش کنترل‌های موافق قانون (درونی یا بیرونی) راه را برای ارتکاب رفتار بزهکارانه هموار می‌سازد. این نظریه‌ها بر این فرض استوارند که کج‌روی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است که در اثر ضعف کنترل و نظارت اجتماعی، به وجود می‌آید (ربانی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). الگوی کنترل اجتماعی هیرشی که گاهی با نام نظریه پیوند از آن یاد می‌شود، پیدایش کج‌روی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه برمی‌شمرد. نتیجه‌ای که هیرشی از تحلیل خویش می‌گیرد، آن است که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی، وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند، قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۰). طبق دیدگاه کارکردگرایی فرهنگی، جرم‌شناسی فرهنگی، به عنوان نقطه تلاقی جرم‌شناسی و مطالعات فرهنگی با فاصله گرفتن از علت کاوی‌های عمومی بیرونی و تأکید مفرط بر زمینه‌های فردی و ساختاری، جرم و مجرم را بر ساخت اجتماعی تلقی می‌کند که برای فهم آن‌ها الزاماً باید به زمینه‌ها، متن اجتماعی و روابط قدرت در جامعه تأملی جدی داشت (ذکایی، ۱۳۹۱: ۵۸). سنت کارکردگرایی غالب در دهه ۱۹۳۰، مسائل نسل جوان را که برآمده از عدم تعامل اجتماعی در ساختارهای جوانی است، منشأ بی‌نظمی اجتماعی می‌دانست. طبق این دیدگاه، ناسازگاری جوانان با مسئولان محلی و دولتی راه، به عنوان بخشی از فرهنگ جوانان تبیین می‌کند. نظریه محرومیت سیاسی، عامل بروز منازعات، درگیری‌ها و تن دادن به هر نوع جرم، ناامنی و خلاف در میان اقوام و طوایف راه، نتیجه رفتار تبعیض‌آمیز می‌داند؛ برای مثال، زمانی که یک گروه، قوم و یا طایفه احساس کند که در معرض سرکوب، آزار و یا محرومیت از برخی حقوق مزایا قرار بگیرد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). نظریه استعمار داخلی، بر این موضوع تأکید دارد که همبستگی قومی و طایفه‌ای، ممکن است در یک نظام سیاسی ملی در نتیجه وخیم شدن نابرابری‌های درون و بین اقوام و طوایف ایجاد شود (رنجبر، ۱۳۸۴: ۱۵۷)؛ لذا در چنین حالتی، امر کنترل و نظارت بر جامعه مستلزم بازبینی در جایگاه اقوام و طوایف است. طبق نظریه فشارهای ساختاری، کیفیت جامعه به کج‌روی‌ها شکل می‌دهد؛ یعنی به دلیل قوانین و کارکردهای نظام‌های اجتماعی، رفتارهایی در



مردم به وجود می‌آید که بعضی از آن‌ها صحیح و پاره‌ای غلط بوده و جنبه کج‌روی به خود می‌گیرند (فرجاد، ۱۳۶۹، ۲۲). جامعه‌ای که در آن به‌طور گسترده نابهنجاری وجود داشته باشد، در خطر متلاشی شدن قرار می‌گیرد؛ زیرا اعضای آن جامعه برای نیل به مقاصد مشترک خطوط راهنمایی را در اختیار ندارند و اغلب اوقات احساس نگرانی و بی‌جهتی می‌کنند (دوب، ۱۹۸۸: ۱۸۱-۱۷۲).

### پیشینه تحقیق

کاوش برای رسیدن به هدف تحقیق و پاسخ به سؤال تحقیق، در ابتدا ما را به بررسی پیشینه مطالعاتی موضوع، رهنمون می‌سازد: غفاری‌نسب و مقدسی (۱۳۸۳)، در تحقیق خود با عنوان «مدرنیته، بازاندیشی و تغییر نظام ارزشی در طایفه دهدار در استان فارس»، مسئله اشاعه و رابطه بین سنت و مدرنیته در طایفه دهدار را از دیدگاه‌هایی چون مدرنیته پیوندی و بازاندیشانه و جهان‌محلی شدن مورد بررسی قرار دادند و نتیجه گرفتند؛ ارزش‌های متعلق به فرهنگ بومی نه تنها از میان نرفته‌اند، بلکه همچنان به حیات خود ادامه داده و با ارزش‌های مدرن درآمیخته و ترکیبی پدید آورده‌اند که برخی آن را «فرافرنگ» نامیده‌اند. نظری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر مسئله نزاع جمعی در استان ایلام»، به این نتیجه رسیده است که متغیرهای تجربه عینی نزاع، قوم‌گرایی و پرخاشگری تأثیر معنادار مثبت، و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات نیز تأثیر معنادار منفی، بر روی میزان گرایش به نزاع داشته‌اند. حیدری و همکاران (۱۳۸۶)، در تحقیق خود تحت عنوان «عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته‌جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه»، به بررسی تأثیر پنج متغیر مستقل بر روی مدیریت انتظامی نزاع‌های جمعی مسلحانه در منطقه مورد مطالعه پرداختند و نتیجه گرفتند که از میان متغیرها، ارتقای سطح آگاهی و معلومات مردم، بیشترین تأثیر و سپس توانمندی و سرعت عمل پلیس، احکام صادره قضائی، افراد معتمد و ریش‌سفید طوایف، خلع سلاح عمومی عوامل مؤثر بر پدیده درگیری جمعی هستند. سام آرام (۱۳۸۸) در مطالعه خویش تحت عنوان «بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه‌محور» به از هم پاشیدگی و از بین رفتن انسجام اجتماعی در جامعه اشاره می‌کند و بر احیای تشکل‌های مردمی و افزایش نقش آن در ایجاد امنیت تأکید دارد.

وروایی و بهربر (۱۳۸۸) در تحقیق خویش با عنوان «اثربخشی الگوهای پلیس سنتی و نوین در پیشگیری از جرم»، دریافتند که الگوی سنتی پلیسی، جامعه‌محور نبوده و بر اجرای صرف قانون تأکید دارد و از ظرفیت‌های بومی استفاده نمی‌کند؛ درحالی‌که الگوی نوین امنیت (که ترکیبی از الگوی بومی و جدید است)، مبتنی بر پیشگیری بوده و به دنبال کشف و حذف زمینه‌ها و علل است؛ جامعه‌محور بوده و در اجرای قانون انعطاف‌پذیری همراه با در نظر گرفتن کارایی و اثربخشی از خود نشان می‌دهد. نواح و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان «آسیب‌شناسی مسائل قومی ایران»، دریافتند که ایجاد ناامنی و یا زمینه‌سازی برای ناامنی و ناسازگاری در میان قوم عرب ایران، به احساس محرومیت سیاسی و احساس محرومیت اقتصادی برمی‌گردد.

ک.ا.س. موهیندرا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیق خود تحت عنوان «میزان گرایش جوانان طوایف محروم هند به الکل و پیامدهای اجتماعی آن»، دریافتند که در طوایف حاشیه‌نشین و محروم هند، به دلیل سلطه فرآیندهای نامناسب تاریخی-اجتماعی، زمینه‌های گرایش به الکل بسیار بالاست. به‌ویژه زیاده‌روی در مصرف در بین نسل جوان مقدمات ارتکاب جرم و ناامنی اجتماعی را فراهم کرده‌است. پورابی باس<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در تحقیق خود تحت عنوان «حقوق اجاره فردی، حقوق شهروندی و برخوردهای ناشی از استفاده از منابع جنگل»، دریافت که دولت از طریق اجاره منابع جنگل به طوایف با حقوق برابر، توانسته است امنیت جنگل و محیط‌زیست را تأمین کند؛ برخوردها و نزاع‌ها را کاهش دهد و به‌طور کلی امنیت پایدار زیست‌محیطی، اجتماعی و تا حد زیادی امنیت اقتصادی را برای شهروندان تأمین کند. آیشاک. جی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در تحقیق خود تحت عنوان «خشونت شرافتی در میان جوامع و طوایف گُرد» نتیجه می‌گیرد که خشونت نسبت به زنان، ریشه در ساختار طایفه‌ای و فرآیندهای تاریخی آن دارد. البته این تحقیق، به مزایا و نقش ارزش‌والایی چون شرف، آبرو و اعتبار- که در ساختار طایفه‌ای پررنگ هستند- نیز اشاره می‌کند؛ اما دفاع متعصبانه از این ارزش‌ها را تا جایی که همراه با صدمه و آسیب به زنان است، جایز نمی‌داند. جفری. بی و نیکولاس سانچز<sup>۴</sup>

- 1 . K.S. Mohindra
- 2 . Purabi Bose
- 3 . AishaK. G et al
- 4 . Jeffrey B. and Nicholas Sanchez

(۱۹۹۹) در تحقیق خود تحت عنوان «تغییرپذیری محلی بارش و ساختار نهادی طایفه‌ای» دریافتند که میزان بارش، مالکیت منابع آب، خاک و در نتیجه میزان تولیدات کشاورزی، تأثیر تعیین‌کننده‌ای روی ساختار درون طایفه و بین طایفه‌ای دارد؛ لذا پیشنهاد می‌کنند، در راستای تعدیل و همگن‌سازی ساختار طایفه‌ای، بر توزیع منابع آب و خاک نظارت شود.

### الگوی مفهومی تحقیق



### روش‌شناسی تحقیق

نوع تحقیق به لحاظ روش‌شناسی، توصیفی-تحلیلی است. روش جمع‌آوری داده‌ها، میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه می‌باشد. جامعه نمونه، افراد آگاه و صاحب‌نظر محلی بوده و حجم جامعه نمونه ۳۰ نفر (که در روش‌شناسی کیو مطلوب و کافی است) می‌باشد. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی نوع Q و آزمون on sample T-test در محیط نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. ریشه‌های نظری روش‌شناسی Q، بیشتر به اصل عدم قطعیت برمی‌گردد که شناخت حسی را زیر سؤال برده و معتقد است که رفتار و ساختار پیچیده، از طریق روش‌های سطحی‌نگر و مشاهدات مستقیم شناسایی نمی‌شود (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۹-۲۲). تمرکز روش‌شناسی Q، روی ادراکات مردم و الگوهای ادراکی که دیدهای مشابه را نشان می‌دهند، است (مک کوئن<sup>۱</sup>

و همکاران، ۱۹۸۸: ۱۳). روش‌شناسی کیو در تمامی مراحل بررسی یک مسئله؛ یعنی روش‌های معمول تحقیق، متفاوت است. در واقع باید گفت که در مسائل رفتاری و اجتماعی، با گونه‌هایی متنوع از ذهنیت‌ها مواجه هستیم. روش‌شناسی کیو تلاش می‌کند تا ساختار درونی پیچیده مرتبط با یک موضوع خاص را درک و معین کند (فلورین دانکن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۲۸۶). روش‌شناسی کیو شامل ۵ یا ۶ مرحله کلیدی است که از شناخت و تعیین موضوع شروع می‌شود و تا گروه‌بندی جامعه مشارکت‌کننده در تحقیق و تفسیر نگرش‌ها و ادراکات آن‌ها ادامه می‌یابد (جان‌باری و همکاران، ۱۹۹۹: ۳۹). روایی عبارات گردآوری‌شده در مطالعه کیو، با هدف اطمینان از جامعیت عبارات انجام می‌شود، نه مانند آنچه که در روش‌های کمی معمول است و محقق باید به دنبال این باشد که آیا مقیاس ساخته شده واقعاً همان چیزی را اندازه می‌گیرد که برای سنجش آن ساخته شده است (دنیس، ۱۹۸۸: ۴۱۲-۴۱۰)؟ در روش‌شناسی Q، روایی صوری، همان میزان رضایت مشارکت‌کنندگان از ظرفیت و قابلیت عبارات، برای نشان دادن ادراکات آن‌هاست و روایی محتوایی نیز بدین صورت است که بین عباراتی که بر روی درجات طیف قرار می‌گیرند، تناسب وجود داشته باشد (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۶: ۶۰).

منطقه مورد مطالعه شامل ۴ شهرستان عنبرآباد، جیرفت، کهنوج و رودبار جنوب است که در نیمه جنوبی استان کرمان واقع شده‌اند و مختصات جغرافیایی این منطقه عبارت‌اند از: طول جغرافیایی ۵۷ درجه و ۶۵ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۱۷ دقیقه شرقی، و عرض جغرافیایی ۲۸ درجه و ۱۰ دقیقه شمالی تا ۲۹ درجه و ۱۸ دقیقه شمالی.

### یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق که در واقع جایگاه نظام طایفه‌ای و نقش سران طوایف را در کنترل نامنی‌ها نشان می‌دهد، شامل دو بخش است. بخش توصیفی و بخش تحلیلی (که جایگاه نظام طایفه‌ای و معتمدان را در ادراکات مردم نشان می‌دهد و یافته‌های تحلیلی حاصل از روش‌شناسی کیو و آزمون T را ارائه می‌دهد).

## الف) یافته‌های توصیفی

طوایف اصلی شهرستان رودبار جنوب شامل مالکی، مهیمی، شمبوئی (در شرق رودبار)، سالمی در مرکز و براهویی ساکن روستای تم‌میری، رئیسی ساکن شمال شرقی رودبار (که تیره‌های رئیسی، جاویدان و دادخدایی را شامل می‌شود)، فرامیزی در انتهای رودبار و کوه‌های نمداد، نارویی، بامری، سابکی، سابقی، سهرابی، زابلی، درویشی، حاجب، فلاحی و خاوری هستند. در حال حاضر، سردار دوست‌محمد عباسخان (معمد طایفه سابکی)، و سردار مهدی بامری فرزند نواب (معمد طایفه بامری) هستند و طایفه نارویی نیز دارای معتمدان زیادی است. وضعیت معتمدان سایر طوایف هنوز مشخص نشده است. شهرستان کهنوج نیز محل اسکان طوایف بزرگی است که بزرگ‌ترین آن، طایفه محمودی (لورگ) است. سران این فامیل، از بین رفته‌اند و مدتی است که معتمد ندارد. صحبت‌ها و درخواست‌های اعضای طایفه حکایت از این داشت که به‌زودی آقای مالک محمودی، به معمدی طایفه انتخاب شود. طایفه داداللهی نیز شاخه‌ای از لورگ است. در گذشته سردار رحمدل تابش و در حال حاضر شجاع داداللهی معتمدان این طایفه هستند. برخی از طوایف رودباری از جمله کندر، در این شهرستان زندگی می‌کنند. مهم‌ترین طوایف شهرستان عنبرآباد عبارت‌اند از: ایل رئیسی با دو طایفه رئیسی (۱۸ تیره) و طایفه جاویدان. در حال حاضر معتمد طایفه رئیسی، سردار اله بخش محمدی رئیسی است. سردار داراب جاویدان نیز به عنوان معتمد طایفه جاویدان انتخاب شده است و ساکن منطقه نرگسان در جبال‌بارز جنوبی است. جمعیت این ایل نزدیک به ۱۰ هزار نفر می‌باشد و عمدتاً در شهرستان‌های رودبار و عنبرآباد ساکن هستند؛ اما مقر اصلی آن‌ها و معتمدان آن‌ها در منطقه جبال‌بارز جنوبی است. در گذشته سردار دادخدا هوشمند از سرداران با نفوذ گسترده اجتماعی طایفه گرگندی (هوشمند) بوده ولی در حال حاضر، فرزند ایشان سردار حسن هوشمند به‌عنوان معتمد طایفه تعیین شده است. این طایفه بسیار بزرگ است و بخش عمده‌ای از جمعیت آن در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. مشهورترین فامیل‌ها در آن عبارت‌اند از: گرگیچ، جرجندی، گرگندی و هوشمند. محل سکونت معتمدان این طایفه، منطقه کلجک در بخش جبال‌بارز جنوبی شهرستان عنبرآباد است. طایفه خسروی پهلوان که در حال حاضر جلال خسروی فرزند عزیز خسروی، به عنوان معتمد مورد احترام و خواست مردم تعیین

شده است. طایفه میر که عمدتاً در استارم ساکن هستند و پایگاه اصلی شان استارم است؛ در حال حاضر حاج کرامت میری را به معتمدی پذیرفته‌اند. ایل آسیایر، شامل طوایف علی‌مرادی و عزیزی است. بخشی از طایفه ریگی (که عمدتاً ساکن خاش هستند) در جبال‌بارز جنوبی ساکن هستند. طایفه توکلی که در گذشته نورعلی توکلی و یحیی توکلی معتمد آن‌ها بوده؛ اما در حال حاضر معتمد ندارد. طایفه احمدیوسفی که تا سال ۱۳۹۱، علیجان احمدیوسفی معتمد آن بوده است. طایفه کرمشاهی و ایل بزسفید (بهادری) که در حال حاضر معتمد ندارد. در شهرستان جیرفت، بیش از ۱۰ طایفه بزرگ و ۲۰۰ فامیل وجود دارد که از هم‌پاشیده‌اند و مصادیق نظام طایفه‌ای-فامیلی در آن کمرنگ شده است. فقط در مسائل انتخاباتی برخی کاندیداها، هر چند به صورت موقت احیاگر نظام طایفه‌ای-فامیلی می‌شوند و مدیریت طایفه‌ای در این شهرستان، جایگاه خود را از دست داده است. به‌طور کلی، این بخش از یافته‌ها نشان داد که اگرچه طی چند دهه اخیر، سران طوایف به‌طور کامل از عرصه تأمین امنیت منطقه حذف شده بودند؛ اما در حال حاضر مسئولان دولتی لازم دیدند، به احیای نقش معتمدان و مشارکت آن‌ها بپردازند. در نتیجه جایگاه معتمدان در حال احیا شدن است و مردم از آن استقبال زیادی کرده‌اند.

### ب) یافته‌های استنباطی

#### یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های پرسشنامه کیو

از میان ۳۰ نفری که پاسخگوی تحقیق بودند، ۵ نفر از طایفه خسروی، ۵ نفر محمودی، ۳ نفر مالکی، ۳ نفر هوشمند، ۲ نفر میر، ۳ نفر بامری، ۳ نفر ناروئی، ۲ نفر طالبی (سهرابی)، ۲ نفر توکلی و ۲ نفر احمدیوسفی هستند. محل زندگی ۶۰ درصد آن‌ها مناطق روستایی، ۶۰٪ درصد در حومه شهرها و ۳۳٫۳ درصد در مناطق عشایری بوده است. ۷۰ درصد پاسخگویان در رده سنی ۱۵ تا ۴۵ سال و ۳۰ درصد در رده سنی ۴۵ تا ۶۵ سال قرار داشتند. به لحاظ تحصیلات نیز، ۳۳٫۳ درصد افراد مدرک دیپلم و فوق‌دیپلم، ۵۳٫۳ درصد لیسانس و ۱۳٫۳ درصد فوق‌لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

طبق جدول ۱، نتایج حاصل از تحلیل عاملی Q، نشان می‌دهد، مردمی که در تحقیق شرکت کردند، به لحاظ نگرش در مورد جایگاه معتمدان در ۳ دسته قرار می‌گیرند: گروه اول، موافقان منطقی و میانه‌رو نظام معتمدی هستند که بهترین طرز تفکر و نگرش را در

مورد معتمدان محلی داشته‌اند. عبارات شماره ۹ تا ۱۸ در جدول ۲، طرز نگرش این گروه را به‌طور تفضیلی نشان می‌دهند. گروه دوم، موافقان افراطی نظام معتمدی هستند که طرز نگرش سنتی و تندروانه‌ای نسبت به جایگاه معتمدان داشته‌اند. عبارات شماره ۱۹ تا ۲۵ در جدول ۲، طرز نگرش این گروه را نشان می‌دهند. گروه سوم، مخالفان افراطی نظام معتمدی هستند که نگرششان نسبت به کارآمدی معتمدان منفی بوده است. عبارات شماره ۱ تا ۸ در جدول ۲، طرز نگرش این گروه را نشان می‌دهند. طبق جدول ۱، بارهای عاملی مربوط به این گروه پایین‌تر از ۰.۷ بوده؛ لذا نمی‌توان این گروه و نگرش آن‌ها را به‌عنوان یک شاخص پذیرفت. این گروه در دو شاخص دیگر جایگاهی نداشته‌اند و نتوانسته‌اند شاخص سومی را نیز ایجاد کنند؛ زیرا تعداد و شدت مخالفت در جامعه نمونه، در حدی نبوده است که بار عاملی لازم را برای تکمیل شاخص سوم ایجاد کند. افرادی که چنین نگرشی داشتند در طایفه خسروی، مالکی و توکلی قرار می‌گیرند. برخی از خانواده‌های طایفه خسروی، به دلیل مسائل پیش آمده در سال‌های اخیر - پیرامون انتخاب معتمد - دچار نارضایتی شده‌اند. این اختلاف‌ها، بخشی از طایفه را از بخش اصلی آن جدا کرده است. البته طوایف و فامیل‌های پراکنده شده نیز در مسائل سیاسی، مانند انتخابات، به احیا و نمایش ساختار طایفه‌ای خود می‌پردازند و از بزرگان طایفه خویش حرف‌شنوی دارند.

**جدول ۱: ماتریس همبستگی نشان‌دهنده بارهای عاملی مربوط به طرز نگرش جامعه نمونه نسبت به جایگاه معتمدان**

عناصر استخراج شده الگوی فکری هر یک از اعضای جامعه نمونه نسبت به نقش و جایگاه معتمدان			
موافقان منطقی و میانه‌رو نظام معتمدی	موافقان افراطی نظام معتمدی	نوگرایان و مخالفان نظام معتمدی	
۰.۹۲۲	-۰.۲۲۳	۰.۰۴۴	شخص ۲، خسروی
-۰.۹۳۳	-۰.۳۳۱	-۰.۰۶۳	شخص ۱۲، مالکی
۰.۹۳۲	-۰.۳۲۲	۰.۰۶۵	شخص ۶، محمودی
۰.۹۳۱	-۰.۳۰۵	۰.۱۰۱	شخص ۷، محمودی
۰.۹۲۷	-۰.۳۱۲	۰.۱۰۵	شخص ۲۴، تارویی
۰.۹۲۵	-۰.۳۶۰	۰.۰۲۶	شخص ۱۱، خسروی
۰.۹۲۱	-۰.۲۸۱	-۰.۰۷۰	شخص ۲۳، تارویی
۰.۹۱۸	-۰.۳۵۳	-۰.۰۴۸	شخص ۲، خسروی
۰.۹۱۸	-۰.۳۷۱	۰.۰۷۷	شخص ۱۷، میر
-۰.۹۱۱	-۰.۱۳۴	۰.۳۱۸	شخص ۱۳، مالکی
-۰.۹۱۰	-۰.۳۷۶	۰.۰۱۷	شخص ۴، خسروی
-۰.۹۰۵	-۰.۳۸۰	۰.۰۲۹	شخص ۵، خسروی
۰.۸۹۳	-۰.۳۳۷	۰.۲۴۹	شخص ۲۹، احمدیوسفی
۰.۸۸۶	-۰.۴۱۷	۰.۰۸۲	شخص ۱۹، بامری
۰.۸۸۳	-۰.۴۲۱	۰.۰۸۷	شخص ۱۵، هوشمند
۰.۸۷۳	-۰.۳۰۵	-۰.۰۳۴	شخص ۲۰، احمدیوسفی
۰.۸۶۳	-۰.۳۷۲	-۰.۰۶۲	شخص ۱۲، هوشمند
۰.۸۶۱	-۰.۴۵۷	۰.۰۴۰	شخص ۱۶، هوشمند
-۰.۸۳۱	-۰.۴۶۷	۰.۲۵۵	شخص ۲۷، توکلی
-۰.۸۲۹	-۰.۵۳۳	۰.۰۶۳	شخص ۱۸، میر
-۰.۷۹۳	-۰.۵۲۲	۰.۲۰۱	شخص ۲۸، توکلی
۰.۲۸۷	۰.۹۳۹	۰.۱۰۲	شخص ۳، بامری
۰.۲۳۲	۰.۹۳۹	۰.۱۰۳	شخص ۲۱، بامری
۰.۳۴۴	۰.۹۰۸	۰.۱۱۰	شخص ۲۲، تارویی
۰.۳۷۰	۰.۹۰۲	۰.۰۷۴	شخص ۲۵، سهرابی
۰.۳۷۸	۰.۸۹۸	۰.۰۹۷	شخص ۲۶، سهرابی
۰.۴۵۹	۰.۸۶۴	۰.۰۳۴	شخص ۱۱، مالکی
۰.۴۷۴	۰.۸۴۴	۰.۱۳	شخص ۱، محمودی
۰.۴۸۷	۰.۸۵۳	۰.۰۷۴	شخص ۸، محمودی
۰.۴۹۲	۰.۸۳۱	-۰.۰۲۴	شخص ۹، محمودی

طبق جدول ۲، نتایج حاصل از آزمون T تک نمونه‌ای نشان می‌دهد: عباراتی که طرز تفکر افراد موافق میانه‌رو را نشان می‌دهند، امتیازشان بالاتر از حد متوسط است. این اختلاف مثبت به لحاظ آماری در سطح ۰.۰۵ یا ۹۵ درصد اطمینان، معنادار می‌باشد. کمترین امتیازات به عبارات مربوط به گروه مخالف با نگرش منفی به جایگاه معتمدان اختصاص یافته است.



جدول ۲: نتایج تومیفی مربوط به امتیازات نهایی پاسخ‌گویان به عبارات

عبارات	متوسط امتیازات	اختلاف متوسط امتیازات با حدوسط (۵)	مغاداری (sig)
۱- پایبندی به فامیل، طایفه، و معتمد متصادق سنت است و امروزه باید کنار گذاشته شود.	۳,۰۳۳	-۱,۹۶۶۶۷	۰۰۲
۲- جامعه امروز به سمت آزادی رفته است و هر کس می‌تواند مسائل خود را حل کند.	۳,۰۵۳	-۱,۹۶۶۶۷	۰۰۱
۳- امروزه رفتار و عملکرد معتمدان و سرداران جانب‌دارانه است و برمی‌نای خیر عمومی نیست.	۲,۷۳۳	-۲,۲۶۶۶۷	۰۰۰
۴- امروزه پیشرفت اجزایی، فرهنگی به حدی است که دیگر معتمدان جایگاهی ندارند.	۲,۹۶۳۳	-۲,۰۶۶۶۷	۰۰۱
۵- امروزه بهتر است مسائل برمی‌نای قوانین دولتی حل شود نه توسط معتمدان و قوانین محلی.	۲,۹۸۳۳	-۲,۰۶۶۶۷	۰۰۱
۶- معتمدان با مسائل متعصبانه برخورد می‌کنند و لذا باید قوانین توسط دولت اجرا شود.	۲,۹۳۳۳	-۲,۰۶۶۶۷	۰۰۱
۷- میزان آگاهی معتمدان به قانون ضعیف است؛ لذا نباید در حل مسائل دخالت داده شوند.	۲,۷۳۳۳	-۲,۲۶۶۶۷	۰۰۰
۸- معتمدان نسبت به مردم اعمال قدرت می‌کنند و به‌منظور حذف نابرابری، باید کنار گذاشته شوند.	۲,۹۰۰۰	-۲,۱۰۰۰۰	۰۰۱
۹- عملکرد فعلی معتمدان، باعث افزایش تعصبات طایفه‌ای می‌شود و باید کنار گذاشته شوند.	۵,۶۰۰۰	۰۰۰۰۰	۰۳۶
۱۰- ما احساس می‌کنیم معتمدان در معرض آفت‌هایی چون رشوه، پارتی‌بازی و روبری‌بازی قرار می‌گیرند و در حل مسائل عادلانه عمل نمی‌کنند.	۵,۴۳۳۳	۰۳۳۳۳	۰۹۶
۱۱- اگر معتمدان از میان افراد با تجربه و سمن انتخاب شوند، در حل مسائل مردم مؤثرتر هستند.	۵,۸۶۶۷	۰,۸۶۶۶۷	۰۱۴
۱۲- اگر معتمدان به قوانین اجتماعی آگاه باشند، مؤثر عمل می‌کنند؛ لذا باید حمایت شوند.	۵,۹۳۳۳	۰,۹۳۳۳۳	۰۱۲
۱۳- اگر معتمدان ویژگی‌های اخلاقی داشته باشند، مؤثر عمل می‌کنند؛ لذا باید حمایت شوند.	۵,۹۶۶۷	۰,۹۶۶۶۷	۰۰۸
۱۴- اگر معتمدان به آموزه‌های دینی پایبند باشند مؤثر عمل می‌کنند؛ لذا باید حمایت شوند.	۵,۹۳۳۳	۰,۹۳۳۳۳	۰۱۰
۱۵- اگر معتمدان افراد نجیب بوده و ساده‌زیست و شریف باشند، مورد پذیرش مردم هستند.	۶,۰۶۶۷	۱,۰۶۶۶۷	۰۰۴
۱۶- اگر معتمدان با دولت همکاری کنند و نماینده مردم نزد دولت باشند، مورد پذیرش هستند.	۶,۱۳۳۳	۱,۱۳۳۳۳	۰۰۳
۱۷- معتمدان اگر جدید، شخصیت و محبوبیت معتمدان سابق را داشته باشند، پذیرفتنی هستند.	۶,۲۰۰۰	۱,۲۰۰۰۰	۰۰۲
۱۸- معتمدان، در صورتی که رفتار و عملکرد خداخواهانه داشته باشند، مورد پذیرش هستند.	۵,۹۳۳۳	۰,۹۳۳۳۳	۰۰۶
۱۹- آموزش و آگاهی اجزایی، تنها می‌تواند توسط معتمدان انجام شود.	۵,۵۶۶۷	۰,۵۶۶۶۷	۰۲۵
۲۰- معتمدان افراد برتر هستند و اگر نباشند مردم اطاعت‌پذیری را کنار می‌گذارند.	۵,۵۰۰۰	۰,۵۰۰۰۰	۰۳۸
۲۱- مردم دانش و آگاهی کافی ندارند و همیشه باید معتمدی باشد که مسائل را حل کند.	۵,۴۳۳۳	۰,۴۳۳۳۳	۰۳۸
۲۲- مشکلات طایفه‌ای را فقط معتمدان می‌توانند حل کنند، دولت، نیروی غریبه است و حق ندارد در مسائل طایفه‌ای ما دخالت کند.	۵,۱۳۳۳	۰,۱۳۳۳۳	۰۷۹
۲۳- معتمدان امروز هر چه باشند، مورد تأیید ما هستند و به آن‌ها اعتماد داریم.	۴,۱۳۳۳	-۰,۸۶۶۶۷	۰۱۴
۲۴- وجود معتمد خوب است؛ چون قدرت زیادی دارد و همه از وی حرف‌شوی می‌کنند.	۴,۰۰۰۰	-۱,۰۰۰۰۰	۰۱۵
۲۵- مهم نیست معتمد چگونه فردی است، در هر صورت نیاز است باشد و از وی اطاعت شود.	۴,۳۶۶۷	-۰,۴۳۳۳۳	۰۲۸

## نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر، پاسخ به این سؤال است که رویکرد مدیریتی مناسب برای مقابله با ناامنی ناشی از درگیری‌های جمعی در اجتماعات محلی جنوب کرمان کدام است؟ بدین منظور، ابتدا پیشینه مطالعاتی موضوع بررسی شد. طبق یافته‌های دیگر محققان، درگیری جمعی معضلی است که عمدتاً در اجتماعات محلی با بافت طایفه‌ای-فامیلی

رخ می‌دهد و راهکارها و ابزارهای حل آن نیز، در خود اجتماعات محلی نهفته است. نتایج تحقیق حاضر نیز با نتایج تحقیقات انجام شده در مورد ظرفیت‌های طوایف و معتمدان طوایف در حوزه امنیت و پیشرفت [غفاری‌نسب و مقدسی، ۱۳۸۳ (حفظ ارزش‌های متعلق به فرهنگ بومی و فامیلی و ترکیب آن با فرهنگ جدید تحت عنوان فرافرنگ)؛ حیدری و همکاران، ۱۳۸۶ (نقش افراد معتمد و ریش‌سفید طوایف در کنترل درگیری‌های جمعی)؛ سام آرام، ۱۳۸۸] (احیای تشکل‌های مردمی و افزایش نقش آن در ایجاد امنیت)؛ باس، ۲۰۱۲ (دولت از طریق اجاره منابع جنگل به طوایف توانسته است، امنیت جنگل و محیط‌زیست را تأمین کند؛ برخوردها و نزاع‌ها را کاهش دهد و به‌طور کلی امنیت را برای شهروندان تأمین نماید) [همسو است.

طبق مبانی نظری، دریافتیم که ریشه‌های وقوع درگیری در بین گروه‌ها را می‌توان به ساختارهای نظارتی جامعه، ویژگی‌های ژنتیکی افراد، شرایط محیط زندگی و... مرتبط دانست. همچنین مهم‌ترین علل درگیری و ناامنی می‌تواند مسائل ناموسی، ملکی، آب، مراتع و حتی در خیلی از موارد، یک نگاه تند به یکی از اعضای طایفه و گروه باشد. در ادامه، لزوم بررسی جایگاه معتمدان در این راستا وجود داشت و بدین منظور از یافته‌های عینی و ادراکی استفاده شد. یافته‌های عینی که از طریق بزرگان محلی و خود معتمدان به دست آمد؛ حکایت از احیای مجدد نظام معتمدی در منطقه دارد. طبق مصاحبه‌های انجام شده، مسئولان دولتی و محلی اذعان داشتند که احیای جایگاه معتمدان، امری ضروری است؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند مسائل را با کمترین هزینه و با بهترین نتیجه ممکن حل کند. ضمن اینکه معتمدان می‌توانند همکاران مورد اعتماد، با صداقت و فعالی برای مسئولان دولتی باشند که هم منافع طرفین درگیری‌ها را دنبال می‌کنند و هم دولت را در تأمین امنیت پایدار یاری می‌کنند.

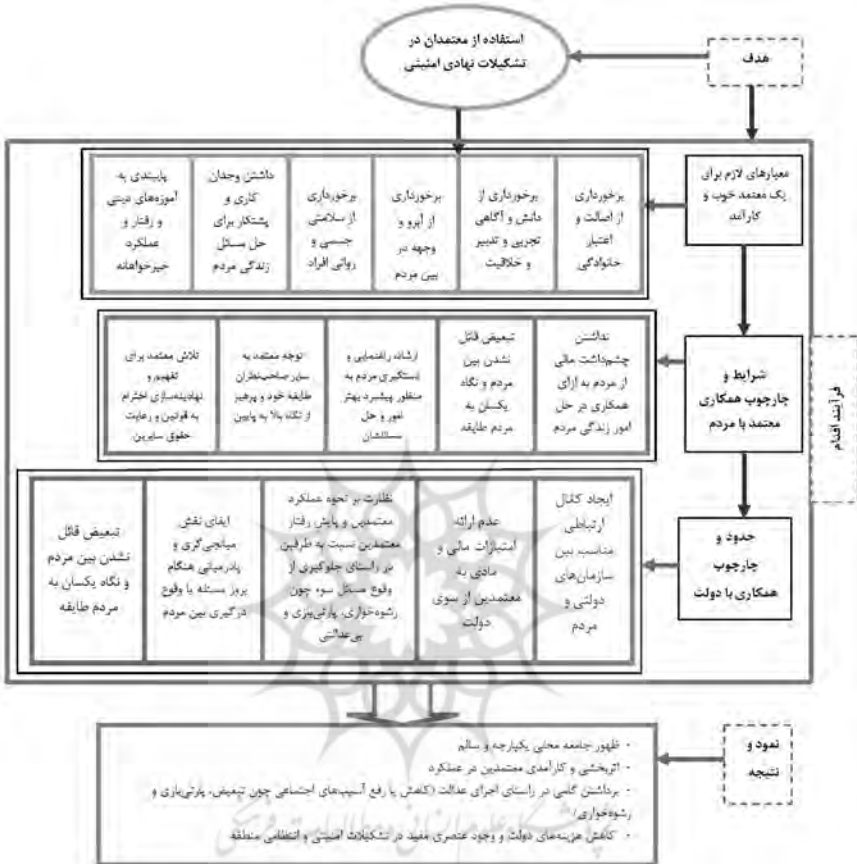
یافته‌های حاصل از تکنیک Q نیز نشان داد: تصورات مردم در مورد جایگاه معتمدان مطلوب است و عمدتاً موافق احیای نظام طایفه‌ای هستند؛ به شرطی که در انتخاب معتمدان، معیارهایی چون ایمان و صداقت، توانمندی و آگاهی به قوانین جدید، صلاحیت، جذب، تواضع، نجابت و مردم‌داری تا حد ممکن رعایت شود. مردم عمدتاً تأکید داشتند که فرزندان معتمدان سابق به دلایلی چون توانمندی اقتصادی، مردم‌داری و آشنایی به شرایط مردم و منطقه، نجابت و اصالت و وجهه مناسب‌تر بین مردم باید در

اولویت انتخاب باشند. البته عده‌ی کمتری از مردم نیز معتمدان را بدون قید و شرط و توجه به معیارها قبول داشتند. عده کمی نیز مخالف احیای نظام معتمدی بودند و آن را امری غیرممکن می‌دانستند. در نظر این گروه، قانون و مسئولان دولتی مانند آفتابی بر سر همه مردم هستند که همه را با یک چشم نگاه می‌کنند و زمینه تبعیض و جانب‌داری وجود ندارد؛ اما معتمدان بین مردم تبعیض قائل می‌شوند.

در مجموع، تحقیق حاضر به این نتیجه رسید که نقش و عملکرد هر دو بخش دولتی (نیروهای انتظامی و قضایی) و محلی (معتمدان و بزرگان محلی)، در زمینه تأمین امنیت منطقه بسیار اساسی است و این دو بخش می‌توانند به عنوان دو بازوی مکمل یکدیگر عمل کنند. در این میان مطلوب است که ابتدا مسئولان محلی با اتخاذ رویکرد مشارکتی به تأمین امنیت پایدار منطقه بپردازند. نهادهای دولتی نیز با جدیت و ابهت تمام نقش تسهیلگری، نظارت و کنترل روند تأمین امنیت را بر عهده گیرند و به صورت غیرمستقیم، ایفای نقش کنند.



لذا تحقیق حاضر چارچوبی مناسب برای استفاده مؤثر از معتمدان و ریش‌سفیدان در تولید امنیت پیشنهاد می‌کند:



شکل ۱: ارائه یک چارچوب مفهومی به‌عنوان پشتوانه‌ای برای نحوه دخالت معتمدان در تولید امنیت

الگوی بازتولید، تقویت و به‌کارگیری سرمایه‌ها در راستای تأمین امنیت پایدار منطقه

پیش از این دریافتیم که در رابطه با مبادرت عده‌ای از مردم به ناامنی دو نگاه و رویکرد متفاوت وجود دارد: یکی نگاه منفی‌انگارانه است که معتقد است: انسان‌هایی که به درگیری، آشوب، ناامنی و ... می‌پردازند بر اراده و فکر خود تسلط ندارند، خودشان اراده

می‌کنند تا به درگیری پیردازند و به‌طور کلی متهم ردیف اول و اصلی هستند. اعتقاد بر این بود که افراد خودشان کنترل نفس لازم را ندارند و یا استعداد و زمینه ورود به جرم را دارند. پس مشخص است که سیاست مناسب در این نگاه، افزایش قدرت نیروی انتظامی و پلیس، کاربرد ابزارهایی چون تنبیه، زندان، جریمه و... می‌باشد. طبق این رویکرد، نیاز است در مقابل انحرافات و افراد مجرم، ابزارهای سخت به کار گرفته شود. در نگاه مثبت‌نگر، افراد مجرم، تا حد زیادی تیرئه می‌شوند و مقصر اصلی، عوامل زمینه‌ای- محیطی دانسته می‌شود؛ لذا لازم است چنین عوامل زمینه‌ای و محیطی از میان برداشته شود و یا تأثیرات آن به حداقل برسد. چنین رویکردی عمدتاً راهکارهای نرم و پیشگیرانه را پیشنهاد می‌کند؛ بنابراین معتمدان می‌توانند، در راستای کاهش و حذف عوامل زمینه‌ای (مربوط زمینه‌ها و محیط اقتصادی، اجتماعی و محیطی) که انحرافات را در جامعه ایجاد می‌کنند با همکاری دولت راهکارهایی را اجرا کنند. راهکارهای نرم‌افزاری، شامل توسعه سرمایه‌های اجتماعی (شبکه ارتباطات و تعاملات بین افراد جامعه) و سرمایه‌های انسانی (دانایی محوری و نظام آگاهی‌ها) است. راهکارهای سخت‌افزاری، شامل ارتقای سرمایه‌های مالی (اشتغال‌زایی و درآمد)، سرمایه‌های فیزیکی (زیربناهای ارتباطی، شبکه آب و برق، امکانات آموزشی، بهداشتی و ...) و سرمایه‌های طبیعی (کشف منابع خدادادی و بهبود روش‌های استفاده از آن، بهبود توزیع مالکیت منابع، و ...) است. مهم‌ترین این راهکارها، توسعه سرمایه‌های اجتماعی و انسانی می‌باشد. امروزه جوامع عشایری و روستایی کشور، دوران تحولات سنت به مدرنیته را سپری می‌کنند. چنین تحولاتی امواج و به‌هم‌ریختگی‌هایی را در جامعه ایجاد می‌کنند. یکی از این تحولات و مسائل، نشئت گرفته از آن بازتولید روابط اجتماعی در این جوامع است. روابط اجتماعی جوامع طایفه‌ای که در گذشته ساختار خاص خود را داشت، در حال حاضر به‌ویژه از سوی عده‌ای از اعضای جوان و تحصیل کرده طایفه، پذیرفتنی نیست. جوانان معتقدند: «ما باید احساس کنیم که در جامعه مهم هستیم و در امور محل زندگی مان شرکت داده می‌شویم»؛ لذا معتمدان اگر بخواهند ساختار سنتی عملکرد خود را کنار بگذارند، می‌توانند شبکه‌ای از ارتباطات و تعاملات را با جوانان آگاه و بانگیزه طایفه خود ایجاد کنند و جوانان را در جامعه جذب کنند و به خود نزدیک کنند. در این صورت اعتماد بین افراد مختلف جامعه افزایش می‌یابد، یادگیری و دانش‌افزایی صورت می‌گیرد و از

توانایی فکری و یدی جوانان نیز استفاده می شود. همچنین برای ارتقای سرمایه های مالی، فیزیکی و طبیعی برنامه ریزی لازم است تا در سایه هماهنگی نهادها بتوان در بازه زمانی کوتاهی، به توسعه پایدار منطقه نزدیک شد. توسعه اجتماعی - اقتصادی منطقه، باعث می شود؛ مردم در فعالیتهای جامعه درگیر شوند و تعهد و مشارکت در جامعه افزایش یابد؛ لذا زمینه های بروز انحراف و ناامنی از بین می رود. شکل (۲)، نقش کارکردی معتمدان و دولت را در ارتباط با یکدیگر به طور مفصل نشان می دهد:



شکل ۲: نقش کارکردی معتمدان و دولت در ارتباط با یکدیگر

### پیشنهادها

از آنجایی که نتیجه نهایی تحقیق حاضر، این شد که احیای نقش معتمدان، بهترین رویکرد برای کنترل ناامنی ها و درگیری ها در منطقه جنوب کرمان است؛ بر اساس یافته های تحقیق نیاز است، پیشنهاد های کاربردی ارائه شود که بتوان مشارکت معتمدان و جایگاه آن ها را به صورت عملی تحقق بخشید و احیا کرد. راهکارها و پیشنهادها، بر اساس نتایج مصاحبه ها، تجربیات داخلی و خارجی و مبانی اندیشه ای توسعه و امنیت پایدار ارائه شده است و به گونه ای است که اولاً نحوه مشارکت معتمدان، دولت و مردم را

با هم تعیین می‌کند و ثانیاً نحوه ایفای نقش معتمدان را در همه ابعاد زندگی مردم اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی مشخص می‌کند. این پیشنهادها عبارت‌اند از:

- استفاده از توان مشارکتی معتمدان و اعضای طوایف از طریق ساماندهی و بسیج مردم تحت نظارت و همراهی ریش‌سفیدان در قالب کمیته‌های مدیریتی حفاظت و توسعه روستاها.

- تأسیس تعاونی‌های اقتصادی در بین اعضای طوایف با مدیریت سران طوایف و ایجاد یک نهاد مشارکتی که امور امنیتی، سیاسی و اقتصادی مردم را به صورت همه‌جانبه و درون‌زا پیش ببرد.

- بازناندیشی ساختار طایفه‌ای در راستای استفاده از قابلیت‌های ریش‌سفیدان طوایف و تقویت فرهنگ‌های بومی در کنار توسعه فرهنگ مذهبی و ایران وطنی. این امر می‌تواند از طریق دخالت تمامی افراد آگاه و بانفوذ طوایف، در تأمین امنیت منطقه به کار گرفته شود. پیشنهاد می‌شود، شبکه‌ای از معتمدان اصلی و فرعی ایجاد شود و حوزه جغرافیایی عمل آن‌ها مشخص شود. افزایش تعاملات و ارتباطات درون این شبکه خیلی مهم است. از آنجایی که امروزه، اکثر طوایف با یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ تعامل بین آن‌ها آسان‌تر می‌تواند انجام شود.

- احیای نقش معتمدان در حوزه همگرایی ملی: تأکید بر پیوندهای طایفه‌ای - فامیلی و قومی به جای پیوندهای مذهبی. برای اینکه از مسائل مذهبی و بروز تفرقه در منطقه جلوگیری شود؛ لازم است، مسئولان مذهبی در امور حکومتی و سیاسی - امنیتی دخالت داده نشوند. منطقه جنوب کرمان هم‌مرز با استان سیستان و بلوچستان، زادگاه و سکونتگاه قوم بزرگ بلوچ است که از ده‌ها طایفه بزرگ و کوچک تشکیل شده است. بخشی از عمده طوایفی که در استان کرمان ساکن هستند، در استان سیستان و بلوچستان نیز ساکن می‌باشند؛ مانند طایفه ناروئی، گرگندی و ... در صورتی که سران مذهبی مسئول ارتباطات و هماهنگ‌کننده شبکه‌های اجتماعی در منطقه باشند؛ روابط بین عناصر چنین طوایفی کاهش می‌یابد و آسیب می‌بیند؛ اما در صورتی که معتمدان هماهنگ‌کننده باشند، چنین روابطی تقویت می‌شود و افراد طایفه را از هر مذهبی که باشند در کنار یکدیگر قرار می‌دهد.

- احیای نقش معتمدان در حوزه همگرایی سیاسی- اداری در سطح محلی: اختصاص تعدادی از سهمیه شورایی به معتمدان در شورای اسلامی شهر و روستا. مطلوب است که شورای هر محل ترکیبی از دانش رسمی (جوانان تحصیل کرده) و دانش تجربی و عرفی (ریش سفیدان) را در خود داشته باشد تا از یک طرف از دانش، توانمندی، و انگیزه جوانان استفاده شود و هم از تجربیات ارزشمند ریش سفیدان. حضور ریش سفیدان در شورای اسلامی محل، از بروز اختلافات بین شوراها، دهیار، شهردار و مردم با یکدیگر جلوگیری می کند.

- عدم دخالت مستقیم مسئولان دولتی، در تعیین سران طوایف.  
- بده و بستان دستگاه‌های انتظامی، قضایی و مردم و معتمدان (ورود مسئولان به زندگی اجتماعی- اقتصادی مردم و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها در قبال تأمین امنیت توسط معتمدان و مردم).

- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی، برای معتمدان در زمینه آموزش حقوق و قوانین شهروندی؛ زیرا توانمندسازی معتمدان در این زمینه‌ها، می تواند کارآمدی آن‌ها را در حل مسائل زندگی مردم، افزایش داده و آفت‌هایی چون ناآگاهی، تبعیض، پارتی‌بازی و تباری را از بین ببرد.

- تشکیل و توسعه پایگاه‌های بسیج محلی، برای استفاده در شرایط اضطراری. جوانان طوایف که از توانایی جسمی و فکری بالایی برخوردارند؛ می توانند از طریق معتمدان شناسایی و گزینش شوند تا دسته‌های رزمی انتظامی تشکیل دهند. فرماندهان آن‌ها نیز از سطح محلی انتخاب می شوند و لازم است همواره دوره‌های آموزشی عقیدتی، جسمی و علمی ببینند. این دسته‌های رزمی، و معتمدانی که هدایت آن‌ها را بر عهده دارند؛ وظیفه دارند، تحت نظارت سازمان‌های دولتی به حفاظت و تأمین امنیت حوزه جغرافیایی خود بپردازند.

- خودداری از اعطای امتیازات مالی به‌ویژه زمین به معتمدان، نظارت بر کار معتمدان و جلوگیری از دخالت آن‌ها در مسائل زمین‌داری، تجارت و معاملات رسمی و غیررسمی.



## منابع

- احمدی پور، زهرا؛ حیدری موصولو، طهمورث و طیبه حیدری موصولو (۱۳۸۹)، تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار، فصلنامه علمی - پژوهشی **انتظام اجتماعی**، سال دوم، شماره اول، صص ۵۶-۳۶.
- آرون، ریمون (۱۳۸۷)، **مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی**، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی، چاپ ۹.
- تقوی‌نسب، مجتبی (۱۳۸۶)، **بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و ملی در میان اعراب شهرستان اهواز**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، شیراز: دانشگاه شیراز، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی.
- چلبی، مسعود و محمد عبداللهی (۱۳۷۲)، **طرح تحقیقی توصیف و تبیین نزاع‌های جمعی در لرستان**، لرستان: دفتر امور اجتماعی استانداری لرستان.
- حیدری، محمد؛ اسلام‌پناه، نورعلی و علمدار لشکری (۱۳۸۶)، عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته‌جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه، **فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی**، سال ۲، شماره ۴، صص ۵۰۰-۴۸۹.
- خوش‌گویان فرد، علیرضا (۱۳۸۶)، **روش‌شناسی کیو**، مرکز تحقیقات صدا و سیمای ج.ا. ایران، تهران: چاپ اول.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۱)، **جرم‌شناسی فرهنگی و جوانان، جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۱۳، ش ۱ و ۲.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۲)، **درآمدی بر جامعه**، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ربانی، رسول؛ عباس‌زاده، محمد و جواد نظری (۱۳۸۸)، **بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی در استان ایلام**، **فصلنامه انتظام اجتماعی**، سال اول، شماره سوم، صص ۱۲۴-۱۰۴.
- رنجبر، م. (۱۳۸۴)، معرفی و نقد کتاب: نظریه‌های ناسیونالیسم، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال ششم، ش ۴، صص ۱۶۶-۱۵۳.
- سام‌آرام، عزت‌الله (۱۳۸۸)، **بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید**

- بر رهیافت پلیس جامعه‌محور، **مجله انتظام اجتماعی**، سال اول، شماره اول، صص ۲۸-۱۰.
- غفاری نسب، اسفندیار و علی‌اصغر مقدسی (۱۳۸۳)، مدرنیته، بازاندیشی و تغییر نظام ارزشی در طایفه دهدار، **مجله انسان‌شناسی**، شماره ۵، صص ۱۶۹ تا ۱۹۶.
- فرجاد، مجتبی (۱۳۶۹)، **روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی**. تهران: نشر همراه، چاپ اول.
- قاسمی، م. (۱۳۸۱)، درآمدی بر پیدایش مسائل قومی در جهان سوم، **مطالعات راهبردی**، سال ۵، ش ۱، صص ۱۳۴-۱۲۳.
- میرفردی، اصغر (۱۳۹۰)، **تحلیل جامعه‌شناختی بر سیر دگرگونی در نقش معتمدان در پیشگیری و مهار نزاع‌های جمعی در ایران**، دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد، انتشارات زیتون سبز.
- نظری (۱۳۸۶)، تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش به نزاع جمعی در استان ایلام، **فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی**، سال سوم، شماره ۱۰.
- نواح، علیرضا؛ قیصری، نورالله و سیدمجتبی تقوی‌نسب (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران: عرب‌های ساکن اهواز، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، ش ۳، صص ۴۷-۷۱.
- وروایی، اکبر و سروش بهربر (۱۳۸۸)، اثربخشی الگوهای پلیس سنتی و نوین در پیشگیری از جرم، **مجله انتظام اجتماعی**، سال اول، شماره اول، ۱۳۰-۱۱۲.
- AishaK. G, Nazand.B, GillHague (2012), Honor -based violence in Kurdish communities Women's Studies International Forum, n35, University of Roehampton, London, United Kingdom.
- Arce. A, and long. N. (2000), "reconfiguring modernity and development from an anthropological perspective", London and New York: Rout ledge press.
- Comaroff, J. (1993). *Modernity and its malcontents, ritual and power in post colonial Africa*, Chicago: university press.
- Dennis, K. (1988), *Q Methodology: new perspectives on estimating reliability and validity*. INO.L. Strickland & C.F. Newyork: Spring, (pp 409-419).
- Doob C B. ۱۹۸۸. *Sociology: An Introduction*, New York: Longman, Ed.

- Florian duenckmann (2010), the village in the mind: applying Q-methodology to re-constructing constructions of rurality ,department of geography, university of Bayreuth, Germany. Journal of rural study, pp 284–295.
- Jeffrey B. Nugent, Nicholas Sanchez (1999), the local variability of rainfall and tribal institutions: in Sudan, journal of economic behavior & organization, v 39, 263–291.
- John Barry, John Proops (1999), Seeking sustainability discourses with Q methodology, Ecological Economics 28, pp 337–345.
- K.S. Mohindra. D. Narayanac, S.S. Anushreedha, Slim Haddadb(2011). Alcohol use and its consequences in South India: Views from a marginalized, tribal population, Drug and alcohol Dependence ۱۱۷, 70–۷۳ .
- McKeon, B.F. and Tomas. D. (1988), Q Methodology, Sage publication, Inc.
- Moore Christopher (1996), The mediation process: practical strategies for resolving conflict, 2 nd ed, san francisco: Jossey- Bass publication.
- Purabi Bose(2012), Individual tenure rights, citizenship, and conflicts: Outcomes from tribal India’s forest governance, Forest policy and economics, pp1-9.
- Rutterm, M. Giller, H. and Hagell, a. (1998) m, anti-social behavior by young people, Cambridge: university press.



پښتونستان ښار، پښتونستان  
پښتونستان ښار، پښتونستان